



قوانین کفر در اسلام



حجت الاسلام والمسلمین
موسوی تبریزی

احکام محارب

در مقاله گذشته، در رابطه با کیفیت اجرای حد محارب فتاوی، عدلای از فقهای بزرگ گذشته را نقل کردیم و بیان کردیم که ظاهر آیه شریفه دلالت می کند بر تخییر حاکم شرع در رابطه با اجرای حد و چهارم - کانه: اعدام، به دار آویختن، یک دست و یک پا را بریدن و تبعید، ولی روایاتی در این باب هست که موجب اختلاف فتاوی بین علمای اسلام شده است، لذا ما ابتدا روایات باب را بررسی کرده سپس به نقل بعضی دیگر از اقوال فقها می پردازیم:

۱- وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۵۲۲ خبر اول محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع) قال: من سبها السلاح فی مصر من الامصار فعقر اقتص منه ونفی من تلك البلد. و من سبها السلاح فی مصر من الامصار و ضرب و عقر و اخذ المال و لم یقتل فهو محارب،

فجزاؤه جزاء المحارب و امره الی الامام ان شاء قتله و صلبه و ان شاء قطع یسده و رجله قال: و ان ضرب و قتل و اخذ المال فعلى الامام ان یقطع یده الیمنی بالسرقه ثم یدفعه الی اولیاء المقتول فیتموه و یسبه بالمال ثم یقتلونه قال: فقال له ابو عبیده: ارایت ان عفا عنه اولیاء المقتول؟ قال: فقال ابو جعفر علیه السلام: ان عفا عنه کان علی الامام ان یقتله لانه قد حارب و قتل و سرق قال: فقال ابو عبیده: ارایت ان اراد اولیاء المقتول ان یاخذوا منه الدیه و یدعونه، الهم ذلک قال: لا، علیه - القتل.

در روایت صحیحه محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمودند هر کسی در یکی از شهرها سلاح برکشد و کسی را مجروح سازد، قصاص می شود و از آن شهر

تبعید می شود و کسی که سلاح برکشد و دیگری را مجروح سازد و مالی بگیرد ولی نکشد، محارب است و کیفر او کیفر محارب است، اگر کیفیت آن به امام واگذار شده است، اگر خواست او را بکشد یا بدار آویزد و اگر خواست دست و پای او را قطع می کند و اگر سلاح برکشد و بزند و شخصی را بکشد و مالی را بگیرد، امام می تواند دست راست او را بخاطر دزدی قطع کند پس نحویل اولیای مقتول دهد و آنها اول مال را بگیرند سپس او را بکشند. سؤال شد: آیا می شود اولیای مقتول عفو کنند؟ فرمود: اگر اولیای مقتول عفو کنند، امام (حاکم شرع) می تواند او را بکشد برای اینکه محارب کرده و دزدی نموده و آدم کشته است. سؤال شد: آیا می توانند اولیای دم صرفاً دیه بگیرند و او را رها کنند؟ فرمود: نه، بلکه باید کشته شود.

علی بن ابراهیم فی تفسیره عن ابیه عن علی بن حسان عن ابی جعفر علیه السلام قال : من حارب الله و اخذ المال و قتل کان علیه ان یقتل او یصلب و من حارب فقتل و لم یأخذ المال کان علیه ان یقتل و لا یصلب ، و من حارب و اخذ المال ولم یقتل کان علیه ان یقطع یدیه و رجله من خلاف و من حارب و لم یأخذ المال و لم یقتل کان علیه ان ینفی ثم استثنی عزوجل " الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم " یعنی پشیمانان قبل از آنکه بر شما مسلط گردند .

علی بن ابراهیم در تفسیر خود از پدرش از علی بن حسان نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود : کسی که با خدا محاربه کند و مالی را به زور بگیرد و کسی را بکشد ، باید کشته شود یا به دار آویخته شود . و کسی که محاربه کند و بکشد ولی مالی را نگیرد کشته می شود و دار آویز نمی شود ، و کسی که محاربه می کند و مال کسی را می گیرد و کسی را نمی کشد ، یک دست و یک پای او بر خلاف هم (دست راست و پای چپ و یا بالعکس) قطع می شود . کسی که محاربه کند و نکشد و مالی را نگیرد ، تبعید می شود سپس فرمود : خداوند عزوجل کسانی را که قبل از دستگیری ، از محاربه خود توبه کنند و دست بردارند ، از حکم فوق استثناء نموده است .

۳ - روایت چهارم همان باب :

عبدالله المدائنی عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال : سئل عن قول الله عزوجل : " انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا " الایه ، فما الذی اذا فعله استوجب واحده من هذه الاربع فقال : اذا حارب الله و رسوله و سعی فی الارض فسادا فقتل ، قتل به و ان قتل و صلب ، و ان اخذ المال و لم یقتل ، قطعت یدیه و رجله من خلاف ، و ان شہر السیف و حارب الله و رسوله و سعی فی الارض فسادا و لم یقتل و لم یأخذ المال ، نفی من الارض .

عبدالله مدائنی می گوید : از امام رضا علیه السلام در باره آیه شریفه سؤال شد که کدام عطلی است که در صورت ارتکاب مستوجب یکی از چهار کیفر مذکور در آیه می شود ؟ فرمود : اگر محاربه با خدا و رسول خدا بکند و در شیوع فساد در روی زمین تلاش و کوشش نماید و کسی را بکشد ، کشته می شود . و اگر بکشد و مالی را نیز بگیرد کشته می شود و به دار نیز آویخته می شود و اگر مالی بگیرد ولی آدم نکشد ، دست و پای او قطع می گردد و اگر صرفا شمشیر بکشد و با خدا و رسول خدا محاربه کند و به فساد در روی زمین کوشش نماید ولی مال نگیرد و کسی را نکشد ، او را تبعید می کنند .

بیشتر فقهای اسلام به تخییر حاکم شرع فتوی داده اند و فرموده اند که حاکم شرع مخیر است یکی از کیفرهای چهارگانه را با صلاح حدید خود مطابق با شرایط جرم و مجرم انتخاب نماید .

و روایات دیگری نیز در باب هست که مدلول روایات مذکور را تأیید می کنند و همانطور که ملاحظه می کنید این روایات دلالت بر این دارد که کیفرهای چهارگانه طبق ضوابطی که در روایات ، معین شده است باید از طرف حاکم شرع برای محارب تعیین شود و حاکم از خود اختیار ندارد که یکی از چهار کیفر را انتخاب کند . ولی میتوان گفت : اولاً - این روایات با ظاهر آیه شریفه مخالفت دارند که ظهور آیه در تخییر است چرا که کیفرها بوسیله لفظ (او) به همدیگر عطف شده است و ظهور آن در تخییر است . ثانیاً بعضی از روایات مانند

روایت سوم از نظر سند ضعیف است و بعضی از آنها از نظر مدلول با دیگر روایات با معارض است ، مانند روایت اول که مضمون آن با دیگر روایات بسیار متفاوت است ، و بیشتر فقهای بزرگ اسلام با توجه به روایات دیگر باب و ظهور آیه شریفه و معارض اختلاف و ضعف در روایات گوناگون به تخییر حاکم شرع فتوی داده اند و فرموده اند که حاکم شرع مخیر است یکی از کیفرهای چهارگانه را با صلاح حدید خود مطابق با شرایط جرم و مجرم و زمان و مکان جرم انتخاب نماید . اینک بنقل چند نمونه از آن روایات می پردازیم :

خبر سوم همان باب :

عن جمیل بن دراج ، قال : سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عزوجل انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم ، الی آخر الآیه ، ای شیء علیه من هذا لحدود التي سئى الله عزوجل قال : ذ لك الی الامام ان شاء قطع وان شاء نفی وان شاء صلب وان شاء قتل . قلت : النقی الی این ؟ قال من مصر الی مصر . قال ان علیا علیه السلام نفی رجلین من الکوفه الی البصره .

جمیل بن دراج گوید : سؤال کردم از امام صادق علیه السلام در باره آیه شریفه (انما جزاء الذین الخ ...) که کدام یک از حدود مذکور در آیه ، باید بر او جاری شود ، فرمودند : انتخاب یکی از حدود مذکور با امام است اگر خواست دست و پا را قطع می کند و اگر خواست می کشد و اگر خواست بدار می آویزد و اگر خواست تبعید می کند . گفتیم : به کجا تبعید می کنند ؟ فرمود : از شهری به شهر دیگر ، و سپس فرمود : امیرالمؤمنین علیه السلام دو نفر را از کوفه به بصره تبعید کردند .

و در خبر نهم همان باب آمده :

عن سماعه بن مهران ، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قول الله : " انما جزاء

الذين يحاربون الله ورسوله . قال :
الامام في الحكم فيهم بالخيار ان شاء قتل
وان شاء صلب وان شاء قطع وان شاء نفى
من الارض .

امام صادق عليه السلام در تفسیر آیه
شریفه فرمودند : امام (و حاکم شرع) مخیر
است اگر خواست می کشد یا بدارمی آویزد یا
دست و پا را قطع می کند و یا تبعید می نماید
و باز روایات دیگری در این زمینه وجود دارد
که در کتاب وسائل الشیعه ، تهذیب و
کتاب های دیگر نقل شده است . و با توجه
به این روایات ، امام امت رهبر کبیر انقلاب
اسلامی ایران آیت الله العظمی امام خمینی
در تحریر الوسیله ، در کتاب حدود ، در حد
محارب ، مسئله پنجم می فرماید :

" الاقوی فی الحد تخیر الحاکم بین
القتل والصلب والقطع مخالفاً والنفی و
والایبعد ان یکون الاولی به ان یلاحظ
الجنایة و یختار ما یناسبها ، فلو قتل اختار
القتل او الصلب و لو اخذ المال اختار
القطع و لو شهر السیف و اخاف فقط اختار
النفی و قد اضطرب کلمات لفقها و الروایات
والأولی ما ذکرنا ."

یعنی اقوی در حد محارب این است که
حاکم شرع مخیر است بین چهار کیفری که
در قرآن ذکر شده است ولی بعید نیست که
بگوئیم : بهتر است حاکم شرع در رابطه با
اجرای حدود مذکور ، جنایات و کیفیت آن
را ملاحظه نماید و کیفر را مناسب جرم
انتخاب نماید . مثلاً اگر شخصی دیگری را
بکشد ، حاکم شرع آن شخص را بکشد یا بدار
آویزد و اگر مالی را بگیرد بریدن دست و پا
را انتخاب کند و اگر صرفاً شمشیر برکشد و
مردم را بترساند او را تبعید نماید . و کلمات
فقها در این مسئله و همچنین روایات
مضطرب و متشتت است لکن بهتر همان
است که گفته شد .

تا اینجا از نظر روایات و آیه شریفه
مطلب روشن شد و اگر مصالح جامعه اسلامی
را نیز در نظر بگیریم ، با توجه به اینکه
شریعت رسول اکرم خاتم الانبیا (ص) دینی

أَمَّا اجْزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ

هَذَا كَيْفَ آتَاتُكَ بِأَخْذِهِ بِسَائِرِهِ أَوْ بِجَنْبِهِ
رَسُولُهُ وَلَسِيَعُونَ فِي الْأَرْضِ فِسَادًا

بیرجیزند و در زمین به فساد بگوشند جز
آن یقتلوا أو یصلبوا أو یقطع

این نیست که باید ما کشته شویم یا بکشد شود یا دست و پایشان
آیدیهم و ارجلهم من خلافی او

بجلاف بریدند شود - بیفوت دست را با پای چپ یا با انگشت - یا
ینفوا من الارض ذلك لهم خزی

بپایه نفی و تبعید از سر زمین صالحان افراج شوند این ذلک و خوارى عذاب
فی الدنيا و لهم فی الآخرة عذاب عظیم

و دنیا آفتاب است و در روز بازبین - درد و عذاب بزرگ برای آنان است

است جامع و همیشگی و محدود به زمان
خاص و مکان خاص نیست و جرائم و شرایط
زمان و مکان جرم و مجرم و نظام و فرهنگی
که مجرم در آن نظام و فرهنگ تربیت یافته
باید با همدیگر بسیار متفاوت و مختلف
است و نمی شود گفت دردی که با سلاح می کشد
و در سر راه مردم قرار می گیرد و راهزنی
می کند و مال مردم را می گیرد ، در هر زمان
و هر شرایط یکسان است و با کسی که مردم را
می ترساند گرچه نمی کشد و با مالی را نمی گیرد
در هر شرایط یکجور است و هیچ وقت او را
نباید کشت! بلکه با تغییر شرایط زمان و
مکان و بالخصوص فرهنگها و نظامها ، شدت
و ضعف جرم و کیفر آن فرق می کند و بسا
توجه به معنی که در اسلام برای حکومت
اسلامی وجود دارد و اختیاراتی که برای
حاکم مسلمین از طرف شریعت اسلام تعیین
شده است ، فتوای امام امت و بزرگان
فقهای بزرگ فناوای آنها در مقاله گذشته نقل
کردیم ، بسیار مناسب بنظر می رسد و بسا

روایاتی که در رابطه با تعزیرات - که بعهد
حاکم شرع گذاشته شده است - نیز متناسب
است ، در هر صورت ، حکام محترم شرع
باید با دید بسیار وسیع و دقیقی که از
شرایط زمانی و مکانی دارند - و بالخصوص
در زمان ما - شرایط انقلاب و فرهنگی که
مردم - در گذشته - در آن فرهنگ رشد
یافتند در نظر بگیرند و با فرهنگ انقلاب
که با توجه به اینترگره های عاشقان راه الله
و خدمتگزاران به اسلام و مسلمین کنار افتاد
مختلف مردم مستضعف در پیشبرد اهداف
مقدس اسلام می کوشند ، باز عده ای مشغول
سودجویی و یا فساد و اقتصاد در روی زمین
باشند و فرهنگ و اقتصاد و سیاست جامعه
اسلامی را به انحراف بکشانند و یا بخواهند
در خدمت اجانب و ابرجناایتگاران شرق و
غرب قرار گیرند ، قهرا کیفرهای متناسب را
با رعایت وضعیت مجرم و کیفیت خانواده کی
وی و شرایط فکری و تربیتی وی انتخاب و
حکم را صادر نمایند .

ادامه دارد